# خودکشی یک جوان پس از قتل فجیع مادر

**سجادپور**- جوان ۳۰ ساله‌ای پس از آن که سر مادرش را به طرز فجیعی با شیشه برید، خود را از بالای ساختمان ۶ طبقه به پایین پرت کرد و جان سپرد. به گزارش خراسان این حادثه صبح روز گذشته هنگامی رخ داد که پسر ۳۰ ساله به همراه مادرش از خانه خواهرش به منزل بازگشت و در توهم ناشی از بیماری روحی و روانی، مادرش را به قتل رساند و سپس با بستن شیلنگ به دور جسد، قصد داشت آن را با استفاده از نردبان فلزی به پشت بام خانه بکشاند و از آن جا به پایین بیندازد اما قدرت بدنی کافی نداشت و فقط پیکر بی جان مادر ۶۰ ساله اش را تا پله دوم نردبان بالا کشید و رها کرد.
او سپس خود را از بالای طبقه ششم ساختمان پرت کرد و به طرز دلخراشی جان داد. بررسی های قاضی ویژه قتل بیانگر آن بود که وی دچار بیماری روحی و روانی بود که روز قبل داروهایش را مصرف نکرده بود. تحقیقات بیشتر در این باره از سوی قاضی محمود عارفی راد ادامه دارد.

## گفت وگوی خراسان با مردی که همسر و مادرزنش را به طرز فجیعی کشت

# جنایت در کشاکش طلاق!

اختصاصی خراسان

**سید خلیل سجادپور**- می دانستم قرار است منزل نقلی را که در آن زندگی می کنیم، بفروشد به همین دلیل هم به یکی از بنگاه داران محله سپرده بودم که اگر همسرم قصد داشت منزل را در یک بنگاه دیگر به فروش برساند، خیلی زود موضوع را به من اطلاع بدهد. آن روز هم وقتی با تماس همان بنگاه دار از حضور همسرم و مادرش در یکی از بنگاه های بولوار رسالت مطلع شدم دیگر حال خودم را نفهمیدم کاردی را که از قبل همراهم بود، بیرون کشیدم و سوار بر نیسان آبی از کوی پنجتن به طرف بولوار رسالت رفتم. در حالی که خشم و عصبانیت همه وجودم را فرا گرفته بود وارد بنگاه املاک شدم و در حضور دیگران ابتدا همسرم را با ضربات متعدد کارد نقش بر زمین کردم و بعد هم مادرزنم را به قتل رساندم چرا که...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات متهم به قتلی است که سه شنبه هفته گذشته، مقابل بازپرس ویژه پرونده های جنایی ایستاد تا به برخی از سوالات مقام قضایی پاسخ دهد. او در حالی که اظهارات قبلی خود را درباره چگونگی وقوع جنایت تکرار می کرد چند بار از قاضی دکتر صادق صفری خواست هر چه زودتر به پرونده اش رسیدگی کند تا به مجازات برسد! این در حالی بود که اولیای دم با سرزنش وی، خشم و نفرت خود از وقوع چنین حادثه دلخراشی را ابراز می کردند. پیرزن با چشمانی اشکبار خطاب به متهم گفت: من به تو چه بگویم!

چگونه توانستی چنین جنایت وحشتناکی را انجام بدهی؟ چگونه آن ها را به همین راحتی سلاخی کردی؟ مگر یک انسان می تواند تا این اندازه بی رحم باشد!؟... و سپس با سر ازیر شدن اشک هایش دیگر بغضش ترکید و نتوانست به سرزنش هایش ادامه دهد!

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، متهم این پرونده جنایی بعد از آن که به چند سوال تخصصی قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد درباره ابعاد دیگر این ماجرای تکان دهنده پاسخ داد، در حاشیه جلسه بازپرسی ناگفته هایی از زندگی آشفته و سرگذشت خود را نیز برای خبرنگار خراسان بازگو کرد. آن چه تقدیم شما مخاطبان صمیمی روزنامه خراسان می شود نتیجه این گفت وگوی کوتاه با قاتلی است که با ضربات بی رحمانه قمه همسر و مادرزنش را به کام مرگ فرستاد و حدود ۲۰ ساعت بعد از جنایت نیز با صدور دستورات ویژه قضایی، توسط کارآگاهان اداره جنایی آگاهی دستگیر شد.

**نامت چیست؟** حمید-ص

**سواد هم داری؟** بله! دیپلم دارم!

**دیپلم را گرفتی یا نه به قول معروف دیپلم ردی هستی؟** نه! در رشته کار دانش مقطع دبیرستان را به پایان رساندم و دیپلم گرفتم اما دیگر در کلاس های پیش دانشگاهی شرکت نکردم و در واقع ترک تحصیل کردم.

**اهل کجایی؟** مشهدی هستم و در مشهد هم به دنیا آمدم.

**پدر و مادرت در قید حیات هستند؟** بله! هر دو نفر زنده اند.

**چند خواهر و برادر داری؟** برادر ندارم، تک پسر هستم اما ۶ خواهر دارم.

**پدرت به چه شغلی مشغول است؟** او کشاورزی می کند و مادرم هم خانه دار است.

**چرا ادامه تحصیل ندادی؟** چون می خواستم کار کنم و مستقل شوم!

**چه کاره می کردی؟** بعد از آن که دیپلم گرفتم یک دستگاه موتورسیکلت خریدم و با آن مسافرکشی می کردم یا پیک موتوری بودم ولی بعد از آن به صورت اقساطی یک دستگاه وانت پیکان خریدم و بعد هم با وانت مزدا کار کردم تا این اواخر که نیسان آبی داشتم.

**در شرکت باربری مشغول بودی؟** نه! در یک شرکت فروش لوازم بهداشتی راننده بودم.

متهم در جلسه بازپرسی

عکس ها اختصاصی خراسان

**چه زمانی ازدواج کردی؟** سال ۹۲ بود که سر سفره عقد نشستم.

**با همسرت چگونه آشنا شدی؟** او از بستگان یکی از دوستانم بود. من با دایی «مهدیه» رفاقت داشتم که او پیشنهاد کرد با خواهرزاده اش ازدواج کنم. بعد هم خواستگاری رفتیم و زندگی مشترک مان آغاز شد.

**اختلاف خانوادگی شما از چه زمانی شروع شد؟** البته اوایل با همسرم هیچ اختلافی نداشتم اما آرام آرام دخالت های مادرش در زندگی من بیشتر شد تا حدی که دیگر کار به مشاجره و درگیری رسید.

**چگونه در زندگی شما دخالت می کرد؟** همسرم فقط به خواسته های مادرش عمل می کرد هر چه او می گفت باید همان اتفاق می افتاد. وقتی من به او می گفتم فلان کار را انجام بده، چون مادرش خلاف خواسته مرا گوشزد کرده بود دیگر به حرف من توجهی نداشت به همین دلیل هم کینه مادرزنم را به دل گرفتم.

**چند فرزند داری؟** ۳ فرزند خردسال دارم.

**چرا او را طلاق ندادی؟** من همسرم را دوست داشتم! نمی خواستم از او جدا شوم به همین خاطر هم بعد از کشاکش های طلاق حتی منزل را به نام او سند زدم و حق طلاق را هم به او دادم تا به زندگی مشترکمان ادامه بدهیم!

**اما در بازجویی ها گفتی که پوشش همسرت مناسب نبود؟** بله! بعد از شروع اختلافات او دیگر به خواسته های من توجهی نداشت و هر کاری که دلش می خواست انجام می داد.

**تا این حد که او را به طرز دلخراشی به قتل برسانی؟** تقصیر خودش بود، منزل را ترک کرده و قصد داشت از من طلاق بگیرد!

**معتادی؟** نه! به هیچ مواد مخدری آلوده نیستم و دست بزن هم نداشتم!

**پشیمانی؟** بعد از لحظاتی «سکوت»! خیلی اذیتم می کردند!

**چرا تصمیم به قتل آن ها گرفتی؟** به خاطر این که دیگر نمی توانستم خودم را کنترل کنم! یک ماه بود که زندگی ام به شدت آشفته بود! از او می خواستم به زندگی خودش بازگردد! حتی دقایقی قبل از قتل هم برایش پیامکی فرستادم و او را قسم دادم که این کار را نکند ولی...

**از نظر مالی مشکلی داشتی؟** نه! درآمدم خوب بود! خانه و ماشین هم داشتم!

**قمه را از کجا برداشتی؟** آن قمه را با خودم حمل می کردم.

**چرا آن ها را در بنگاه املاک کشتی؟** چون همسرم بعد از ترک منزل، تقاضای طلاق داشت و در کشاکش طلاق بودیم! او در این مدت نزد مادرش بازگشته بود و من شنیدم قصد دارد منزل را که به نام او سند زده بودم به فروش برساند به همین دلیل هم به بنگاه املاک سپرده بودم که اگر همسرم در یکی دیگر از بنگاه ها خواست منزل را قولنامه کند بلافاصله به من خبر بدهد!

**اما ضربات قمه را خیلی بی رحمانه به پیکر آن ها فرو کرده بودی؟** (سکوت!) آن ها مرا خیلی اذیت کردند!

**هنگام دستگیری بیان کردی که می خواهم زودتر قصاص شوم تا دوباره همسر و مادرزنم را در آن دنیا به قتل برسانم! حالا چه می گویی؟** فقط می خواهم به پرونده ام زودتر رسیدگی کنند چون تحمل این وضعیت را ندارم!

مادرزنم بعد از طلاق از همسرش با مرد پولداری ازدواج کرده بود و هر بار که همسرم از خانه من قهر می کرد او را با خودش به تفریح و رستوران می برد و با این رفتارش بیشتر مرا عذاب می داد.

**برای افرادی که شرایط تو را دارند، چه توصیه ای داری؟** به آن ها می گویم هنگام خشم و عصبانیت تصمیم نگیرید! در این شرایط بهترین کار آن است که به صورت توافقی طلاق بگیرید!

### سابقه خبر

گزارش خراسان حاکی است: سیزدهم تیر گذشته، یک دستگاه نیسان آبی رنگ در خیابان رسالت مشهد توقف کرد و ناگهان راننده ۳۱ ساله آن در حالی که قمه بزرگی را در دست می فشرد با چهره ای غضبناک پا به درون بنگاه املاک گذاشت و بدون آن که کلامی بر زبان جاری کند به طرف زن ۲۴ ساله ای به نام «مهدیه» هجوم برد و او را با ضربات متعدد قمه نقش بر زمین کرد. در همین حال مادر ۴۴ ساله دختر جوان خود را روی پیکر دخترش انداخت تا از وارد آمدن ضربات بیشتر به او جلوگیری کند ولی راننده نیسان بی رحمانه ضربات دیگر را بر پیکر زن ۴۴ ساله وارد کرد و او را نیز در کنار دخترش در حالی به قتل رساند که مرد بنگاه دار و دیگر شاهدان وحشت زده به این صحنه جنایی هولناک می نگریستند.
طولی نکشید که با فرار متهم از بنگاه املاک، ماجرای این جنایت تکان دهنده به قاضی ویژه قتل عمد مشهد گزارش شد و دقایقی بعد با حضور قاضی صفری و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در محل وقوع حادثه، تحقیقات گسترده ای آغاز و مشخص شد که قاتل نیسان سوار همسر زن جوان است. گزارش خراسان حاکی است حدود ۲۰ ساعت بعد، متهم فراری در میدان حافظ مشهد دستگیر شد و به جرم خود اعتراف کرد.

# ماجرای قتل مسلحانه ۴ عضو یک خانواده در فردیس

دادستان عمومی و انقلاب فردیس گفت که بر اثر تیراندازی به دلیل اختلافات خانوادگی، چهار عضو یک خانواده کشته شده اند. به گزارش رکنا، «حسین ناصر خاکی» با اعلام خبر قتل اعضای یک خانواده در تیراندازی با سلاح گرم در یکی از خیابان های اصلی فردیس افزود: این حادثه حدود ساعت ۲۱ پنج شنبه ۲۱ مهر رخ داده و بر اساس بررسی های اولیه، بر اثر اختلافات قدیمی همسایگی فیمابین، یکی از همسایه ها ضمن حمله مسلحانه با کلت کمری به همسایه مجاور خود، مبادرت به تیراندازی به همه اعضای خانواده کرده و تعدادی از آن ها را به قتل رسانده و زخمی کرده است.
دادستان عمومی و انقلاب فردیس با بیان این که فرد ضارب هم اکنون متواری است، متذکر شد: متاسفانه در این حادثه چهار عضو این خانواده شامل دو برادر و دو خواهر کشته و دو نفر دیگر شامل یک مرد و یک زن مجروح شدند و تحت درمان هستند؛ دستورات ویژه قضایی برای تسریع در شناسایی و دستگیری قاتل فراری صادر شده است. معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی فرمانداری شهرستان فردیس نیز ضمن اعلام خبر در گیری و نزاع همسایه ها در این شهرستان گفت که در پی آن ۴ تن کشته و ۲ تن زخمی شدند. «وحید اکبری» افزود: بر ابر اخبار رسیده در ساعت ۲۱:۴۰ مورخ ۲۱ مهرماه ۱۴۰۱ طی بررسی صحنه توسط پلیس آگاهی، مشخص شد که به دلیل بروز اختلاف بین همسایگان در یکی از خیابان های شهر فردیس، فردی با هویت (م_چ) حدود ۵۵ ساله ضمن مراجعه به درِ منزل یکی از همسایگان شروع به درگیری لفظی کرده است. وی ادامه داد: سپس این فرد با استفاده از کلت کمری اقدام به تیراندازی مستقیم به سمت افراد کرده که در این درگیری ۴ نفر از افراد حاضر در منزل در دم جان باخته و دو نفر به علت جراحات شدید از طریق اورژانس ۱۱۵ به مراکز درمانی منتقل شده اند. اکبری ضمن اعلام حضور بازپرس ویژه قتل و عوامل پلیس آگاهی برای بررسی صحنه در محل حادثه افزود: قاتل از محل متواری شده که تحت تعقیب است.

در امتداد تاریکی

# نقشه زورگیری از جاری!

از همان روزهای آغازین زندگی مشترکم حسادت عجیبی به جاری ام پیدا کرده بودم و هر رفتار او را تحقیرآمیز می دانستم تا جایی که حتی از دیدن او زجر می کشیدم به همین دلیل ...
به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۲۷ ساله ای است که برای انتقام از جاری اش زورگیر اجیر کرده بود. او پس از پاسخ به سوالات تخصصی افسر پلیس آگاهی درباره سرگذشت خود نیز گفت: ۵ سال قبل در حالی با فریدون ازدواج کردم که حدود ۶ ماه از آشنایی خیابانی ما می گذشت.
اگرچه او را هنگام سیگار کشیدن دیده بودم و می دانستم جوانی سیگاری است اما هیچ گاه تصور نمی کردم کسی که به او دل باخته ام معتاد باشد.
خلاصه طولی نکشید که با همه مخالفت ها و جار و جنجال ها پای سفره عقد نشستم چرا که در گیر یک ماجرای عاطفی شده بودم و احساس می کردم در کنار فریدون خوشبخت خواهم شد اما همه این ها خیال پردازی هایی بود که در افکارم با آن ها دست به گریبان بودم. وقتی قدم به خانه بخت گذاشتم تازه فهمیدم که فریدون به مواد مخدر صنعتی اعتیاد دارد و جوانی بیکار است که نمی تواند هزینه های اعتیاد خودش را هم تامین کند. این گونه بود که اختلافات من و او آغاز شد، این در حالی بود که برادر بزرگ تر فریدون زندگی مرفه ای داشت و همسرش در ناز و نعمت زندگی می کرد. او لباس های زیبا می پوشید و انواع مختلف زیورآلات را بر سر و گردن می آویخت. «فرید» جوانی تحصیل کرده و مدیر یک شرکت خصوصی بود که درآمد خوبی داشت اما من با فروش طلاهایی زندگی می کردم که در جشن عروسی هدیه گرفته بودم.
حالا دیگر از نگاه ها و حتی شیوه راه رفتن جاری ام نیز متنفر بودم به طوری که در برابر او احساس حقارت می کردم، از برق طلاهایش رنج می کشیدم و به دست پختش نیز حسادت می کردم تا این که ۳ سال قبل با یک بهانه واهی با او به مشاجره پرداختم و بعد هم با یکدیگر قهر کردیم. دیگر هیچ وقت نام جاری ام را بر زبان نمی راندم و به خانه اش هم رفت و آمد نمی کردم از سوی دیگر نیز درگیری های من و فریدون شدت گرفته بود چرا که نمی توانستم با این شرایط به زندگی مشترک ادامه بدهم. بالاخره تصمیم خودم را گرفتم و از حدود یک سال قبل از همسرم جدا شدم. مدتی بعد به عقد موقت جوان ۲۵ ساله ای درآمدم که به صورت مجردی زندگی می کرد اما هیچ گاه نمی توانستم سعادت و خوشبختی های جاری سابقم را از خاطر ببرم، این بود که روزی نقشه انتقام از او را کشیدم و موضوع را با همسرم در میان گذاشتم. اسد هم وقتی اصرار مرا برای عقده گشایی از جاری ام دید بلافاصله گوشی تلفن را برداشت و با یکی از دوستان خلافکارش تماس گرفت. اسد به آن جوان شرور گفت: قصد دارد طلاهای دوست دخترش را سرقت کند به همین دلیل بهمن وارد ماجرا شد و با ۲ نفر دیگر از دوستانش نقشه مرا بررسی کردند. طبق نقشه قرار بود او همه طلاها را برای خودش بردارد و تنها گردنبند مرا بازگرداند. خلاصه بعد از گذشت ۳ سال گوشی تلفن را برداشتم و با عذرخواهی از جاری سابقم به او گفتم قصد دارم به دیدارش بروم و از رفتارهای گذشته ام عذرخواهی کنم. او هم با خوشحالی پذیرفت و من ساعتی بعد با استقبال گرم او وارد منزلش شدم. دقایقی بعد وقتی فرید از منزل بیرون رفت من به طور پنهانی پیامکی را برای همسرم فرستادم که به همراه دوستانش در کنار مجتمع مسکونی داخل خودرو نشسته بودند سپس به آرامی در واحد آپارتمانی را بازگذاشتم در این هنگام بود که بهمن به همراه هم دستانش در حالی که نقاب به چهره داشتند با چاقو و قمه به خانه هجوم آوردند و دست و پاهای من و مهتاب را بستند. آن ها حتی ۲ کودک جاری ام را نیز در اتاق زندانی کردند و سپس همه طلاهای او و گردنبند مرا ربودند.
با فرار دزدان، مهتاب وحشت زده فرزندانش را به آغوش کشید و سپس با پلیس تماس گرفت. طولی نکشید که کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به خانه مهتاب آمدند و با طرح چند سوال درباره حضور من در منزل مهتاب مرا به پلیس آگاهی انتقال دادند. آن جا بود که فهمیدم کارآگاهان به بازبودن در واحد آپارتمانی و حضور ناگهانی من برای آشتی با جاری ام مشکوک شده اند. دقایقی بعد نیز ماجرای آخرین پیامک من به همسرم لو رفت و من مجبور شدم قصه زورگیری به خاطر عقده گشایی را بازگو کنم. ساعتی بعد نیز کارآگاهان اسد و بهمن را دستگیر کردند و این گونه خودم را در مخمصه وحشتناکی انداختم که آینده ام نیز تباه شد و...

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

## آگهی اجاره

اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی در نظر دارد **مغازه های جنب ساختمان اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی** را با مشخصات مندرج در جدول ذیل از طریق برگزاری **مزایده عمومی** و مطابق مقررات معاملات دولتی با اولویت خدماتی یا فرهنگی به اجاره واگذار نماید. متقاضیان شرکت در مزایده می توانند جهت بازدید از مکان از تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۲۰ لغایت ۱۴۰۱/۰۸/۰۵ به جز ایام تعطیل از ساعت ۸:۳۰ صبح لغایت ۱۲:۳۰ به آدرس ملک و جهت اطلاع از شرایط، دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مزایده از تاریخ فوق لغایت ۱۴۰۱/۰۷/ ۲۵ از ساعت ۹ صبح لغایت ۱۲ به آدرس خیابان امام خمینی (ره) اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، ساختمان شهید باهنر، کارشناسی امور قراردادها مراجعه نمایند.

- انجام کلیه فرایند ارجاع کار از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) www.setadiran.ir قابل پذیرش خواهد بود.
- شماره فراخوان مورد اجاره در سامانه ۵۰۰۱۰۰۵۸۶۵۰۰۰۰۳

**آدرس محل مورد اجاره:**
**مشهد میدان شهداء حاشیه شمالی خیابان امام خمینی (ره) جنب کتابخانه عمومی دکتر علی شریعتی طبقه همکف اداره کل آموزش و پرورش**

۱- ضمانتنامه شرکت در مزایده معتبر بانکی دارای اعتبارسه ماهه و قابل تمدید تا شش ماه علاوه بر بارگذاری در سامانه به صورت حضوری تسلیم گردد.
۲- برندگان اول، دوم مزایده هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان ضبط خواهد شد.
۳- پیشنهادهای کمتر از قیمت پایه یا مبهم یا مشروط فاقد اعتبار و غیرقابل قبول است.
۴- اولویت واگذاری با مزایده گرانی می باشد که تقاضای اجاره فضا را به صورت یکجا پیشنهاد نمایند.
۵- پیشنهاد قیمت می بایست به صورت مشخص برای یکسال کامل شمسی ارایه شود.
۶- آخرین مهلت دریافت اسناد از سامانه: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵ ساعت ۱۰
۷- آخرین مهلت بارگذاری و تحویل اسناد، مدارک و ارایه پیشنهاد در سامانه: ۱۴۰۱/۰۸/۰۵ ساعت ۱۲
۸- زمان بازگشایی: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷ - ساعت ۱۰ صبح.

| شماره مغازه | مساحت همکف | مساحت زیر زمین | مساحت بالکن | مبلغ تضمین |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۷۳/۰۰ | ۰/۰۰ | ۴۹/۰۰ | ۱۰۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال |
| ۲ | ۱۲۱/۰۰ | ۵۷/۳۰ | ۷۸/۰۰ | ۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال |
| ۳ | ۲۴/۰۰ | ۰/۰۰ | ۲۳/۰۰ | ۷۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال |
| ۴ | ۲۳/۰۰ | ۰/۰۰ | ۲۲/۰۰ | ۶۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال |

اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی — اداره امور رفاهی و پشتیبانی — امور قراردادها

۱۴۰۱۹۰۷۳۴/ط

خوب سئوال کردن
یکی از مهارتهای مهم فروشندگان حرفه‌ای است

**قاتل فراری**

**بنام حیدر قوی فرزند احمد ساکن روستای اوتان**
از توابع چناران **دونفر** را به صورت مسلحانه در تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ به قتل رسانده است. در اجرای دستور قضایی، در صورت مشاهده با پلیس آگاهی چناران تماس و مژدگانی عالی دریافت نمایید.
**تلفن افسر پرونده آگاهی صادقی** ۰۹۱۵۳۵۹۱۴۸۷
**تلفن رئیس آگاهی گلبهار هراتی** ۰۹۱۹۱۰۸۳۱۰۴
**تلفن آگاهی چناران** ۰۵۱۴۶۱۲۷۶۳۲
**تلفن آقای خانی** ۰۹۳۷۰۱۳۶۷۳۲

۱۴۰۱۸۸۵۶۰/م

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

روزنامه مجله ویژه نامه کتاب
اینفوگرافیک گرید لوگو

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com